

بازآفرینی شهری، مطالعه موردی؛ محله هرنندی (دروازه غار) شهر تهران

محمد مهدی یوسفی^۱* سید محمد حسن داودی شمسی^۲ جلال یوسفی^۳

۱- معاونت تحقیق و توسعه استراتژیک مؤسسه نسیم صبح رویش، و پژوهشگر مسایل اجتماعی، تهران- ایران.

Mohammadyousefi266@gmail.com

۲- مدیر مدارس کودکان کار صبح رویش (مؤسسه نسیم صبح رویش)، تهران- ایران

davoodibox@gmail.com

۳- مدرس دانشگاه و پژوهشگر مطالعات توسعه روستایی، تهران- ایران.

Yousefi1442@gmail.com

چکیده

بافت فرسوده شهری محله هرنندی (دروازه غار) شهر تهران، یکی از عرصه‌های این شهر است که نسبت به سایر عرصه‌های شهر از لحاظ توسعه عقب‌تر بوده و همین امر آن را به کانون مسایل اجتماعی تبدیل کرده است. جمعیت زیادی از مردم در این محله سکونت دارند که می‌توان از آنان به عنوان پتانسیلی برای توسعه شهری استفاده کرد، اما به دلیل وضعیت کنونی بافت شهری محله این بخش از جمعیت از توسعه کنار گذاشته شده‌اند. برای برنامه‌ریزی این بافت، شناخت مشکلات این مناطق و برنامه‌ریزی برای آن، باید در نظر داشت که واقعیت‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، کالبدی، زیست‌محیطی و غیره در هم تنیده شده‌اند. مقاله حاضر، به بررسی بازآفرینی شهری این محله (هرندی تهران) می‌پردازد. در این پژوهش از روش کیفی و تکنیک‌های مشاهده میدانی، مصاحبه، قدم زدن در میدان، بحث گروهی و غیره استفاده گردیده است. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که شاخص‌های متنوع آلودگی محیطی شامل؛ آلودگی فیزیکی (ناهنجاری فیزیکی)، آلودگی دیداری (اغتتاش بصری نمادها، حجم‌ها و عناصر)، آلودگی نمادی (اطلاعات و علائم محیطی)، و آلودگی نور، همه در محله مورد مطالعه وجود دارند.

واژه‌های کلیدی: بازآفرینی شهری، آلودگی محیطی، آلودگی دیداری، آلودگی نمادی، آلودگی نور.

۱- مقدمه

مطالعات نظری، بازآفرینی شهری را به‌عنوان یک رویکرد مناسب به منظور ارتقای ارزش‌های زمین و بهبود کیفیت محیط زیست [۱] اصلاح مشکل افت شهری و تحقق اهداف مختلف اجتماعی و اقتصادی، دستیابی شبکه‌های اجتماعی موجود، بهبود وضعیت گروه‌های آسیب‌پذیر، و بهبود اثرات نامطلوب در محیط زندگی [۲] در نظر گرفته است.

بررسی مطالعات انجام شده بر روی بازآفرینی شهری در طول دوره ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۲ میلادی [۳] نشان دهنده بازنگری یکپارچه با تمرکز بر زیرسیستم برنامه‌ریزی و زیرسیستم اجتماعی بازآفرینی شهری است که طیف گسترده‌ای از موضوعاتی را در بردارد که با یکدیگر همپوشانی دارند و در نتیجه نمی‌توان به‌سادگی آن‌ها را در یک زمینه مشخص، طبقه‌بندی کرد. بنابراین، با نگاه به شهر به‌عنوان یک سیستم فضایی، دو زیرسیستم بزرگ برای آن در نظر گرفته می‌شود: زیرسیستم برنامه-ریزی شهری و زیرسیستم اجتماعی؛ درحالی که زیرسیستم برنامه‌ریزی شهر شامل همه عناصر مادی یک شهر، از جمله عوامل محیطی است که ساختار قلمروی را شکل می‌دهد؛ زیرسیستم اجتماعی از ساکنان به‌عنوان ذی‌نفعان کل تشکیل شده است [۴].

از این‌رو، در سال‌های اخیر، ساماندهی بافت‌های فرسوده و ناکارآمد، یکی از موضوعات اصلی گریبان‌گیر سازمان‌ها، نهادها و مدیران شهری بوده است؛ تا جایی که عدم توانایی این سازمان‌ها در حل این معضل شهری باعث گردیده که در محافل علمی و

دانشگاهی نیز به این موضوع مهم پرداخته شود. آنچه که امروزه تحت عنوان بافت‌های ناکارآمد، مورد مطالعه اندیشمندان حوزه شهرنشینی و شهرسازی است، در واقع محصول فرآیندهای متعددی است که در قالب فرم فرسوده تکوین یافته است. بافت‌های فرسوده و ناکارآمد اگرچه در گذشته به مقتضای زمان دارای عملکرد منطقی بودند، ولی امروزه از لحاظ ساختاری و عملکردی دچار کمبودهای زیادی بوده و آن گونه که باید، پاسخ‌گوی نیاز ساکنین خود نمی‌باشند.

مجموعه پیامدهای ناشی از این بافت‌های ناکارآمد شهری، نشان‌دهنده ناپایداری این بافت‌ها در ابعاد مختلف بوده و با پایداری شهری و اهداف توسعه پایدار در تعارض‌اند.

در ایران، بافت‌های ناکارآمد شهری به محدوده‌های قانونی شهرها اطلاق می‌شود که به دلیل فرسودگی کالبدی، عدم برخورداری مناسب از تأسیسات- خدمات و زیرساخت‌های شهری، آسیب‌پذیر بوده و به دلیل فقر ساکنان و مالکان آن‌ها، امکان نوسازی خود به خودی را نداشته و هم‌چنین، سرمایه‌گذاران، انگیزه‌ای جهت سرمایه‌گذاری در آن را ندارند. «در حال حاضر سکونت بیش از یک‌چهارم جمعیت شهری در محدوده بافت‌های ناکارآمد شهری، حکایت از اهمیت موضوع برنامه‌ریزی برای چنین مناطقی را دارد» [۵].

بنابراین، در یک تعبیر کلی می‌توان بافت فرسوده و ناکارآمد شهری را بافتی در نظر گرفت که جریان حیات روزانه در آن به مخاطره افتاده و روند طبیعی زندگی در آن وجود نداشته باشد. از این‌رو، بروز مسئله در بافت می‌تواند ناشی از نقصان در کالبد و یا فعالیت باشد. بروز مسئله می‌تواند ناشی از قدمت بافت و یا کمبود طرح‌های توسعه شهری و یا ناکارآمدی بافت در ارائه تسهیلات و خدمات شهری مناسب باشد. فرسودگی یکی از مسایل مهمی است که بافت‌های شهری به آن مبتلا می‌شوند و باعث بی‌سازمانی، عدم تعادل، عدم تناسب و بی‌قوارگی بافت‌های شهری می‌شود. فرسودگی عاملی است که باعث زدودن خاطره‌های جمعی، افول حیات شهری واقعی و شکل گرفتن حیات شهری نامناسب می‌شود [۶].

در همین راستا، می‌توان گفت که محله هرندی (دروازه غار) به عنوان یک بافت ناکارآمد شهری، پهنه‌ای از شهر تهران به حساب می‌آید که در مقایسه با سایر پهنه‌های شهر، از جریان توسعه عقب افتاده، از چرخه تکاملی حیات جدا گشته و به کانون مشکلات و نارسایی‌ها درآمده است. با این وجود، این بافت درصد قابل توجهی از جمعیت شهری را در خود جای داده و عدم توجه به آن، چه در کوتاه مدت و چه در بلندمدت، می‌تواند آثار زیان‌باری را به همراه داشته باشد. بنابراین، پرداختن به این بافت شهری ناکارآمد و برنامه‌ریزی برای آن، جدا از پرداختن به واقعیت‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی منطقه نبوده و مستلزم برنامه‌ریزی دقیق، جامع و واقع‌گرایانه است. در سال‌های اخیر، بازآفرینی شهری به عنوان رویکرد جدیدی برای بهسازی و نوسازی چنین بافت‌هایی مطرح شده است. با چنین نگاهی، رویکرد بازآفرینی شهری، گامی فراتر از مقاصد، آرزوها و دستاوردهای توسعه شهری و بهسازی شهری است و با در نظر گرفتن جامعیت ابعاد اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و زیست محیطی به بافت، نگاهی جامع و یکپارچه دارد.

البته لازم به ذکر است که اقداماتی که تاکنون برای این نوع بافت‌ها (از جمله محله هرندی) انجام شده است، عمدتاً منجر به جا به‌جایی جمعیت شده است. این در حالی است که تحقق ساماندهی بافت‌های ناکارآمد شهری بدون مشارکت همه کنشگران این عرصه (مردم منطقه، مدیریت شهری و دولت به‌ویژه نهادهای متولی زیرساخت‌ها و بخش خصوصی) دست نیافتنی است.

رویکرد بازآفرینی شهری با مباحث گسترده‌تری همچون اقتصاد رقابتی و کیفیت زندگی به‌خصوص برای کسانی که در محله‌های فقیرنشین زندگی می‌کنند سروکار دارد. در مطالعات شهری، بازآفرینی به معنای احیا، تجدید حیات و معاصر سازی است. این رویکرد، مفهوم جامعی است که به معنای بهبود وضعیت نواحی محروم در ابعاد اقتصادی، کالبدی، اجتماعی و فرهنگی می‌باشد. از این‌رو، بازآفرینی شهری عبارت است از نگاه جامع، یکپارچه و مجموعه اقداماتی است که به حل مسایل شهری منجر می‌شود، به طوری که بهبود دایمی در شرایط اقتصادی، کالبدی، اجتماعی و زیست محیطی ناحیه‌ای را که دستخوش تغییر شده، فراهم می‌کند [۷]. به عبارت دیگر، بازآفرینی شهری فرآیندی است که به خلق فضای شهری جدید با حفظ ویژگی‌های اصلی فضایی (کالبدی و فعالیتی) منجر می‌گردد. در این اقدام، فضای شهری جدیدی ایجاد می‌شود که ضمن

شبهات‌هایی با فضای شهری قدیم، تفاوت‌های ماهوی و معنایی را با فضای قدیم به نمایش می‌گذارند [۸]. بنابراین، بازآفرینی شهری نگرش و اقداماتی جامع و یکپارچه برای حل مشکلات شهری منطقه هدف عملیات است که در نهایت به یک پیشرفت پایدار اقتصادی، کالبدی، اجتماعی و محیطی خواهد انجامید.

با چنین نگرشی می‌توان گفت که هدف از اجرای بازآفرینی شهری و برنامه‌های حیات شهری در محله دروازه‌غار، ارتقاء کیفیت زندگی در این محله از طریق ایمن‌سازی و مقاوم‌سازی ساختمان‌ها، توسعه و بهبود زیرساخت‌های شهری محله (خیابان‌ها و کوچه‌های متناسب با زیست‌شهری)، تأمین خدمات شهری مورد نیاز، آموزش ساکنان، ایجاد فرصت‌های شغلی، تقویت نهادهای مدیریت محلی و دفاتر خدمات محله‌ای مردم‌نهاد، الگوسازی و ترویج قواعد دستورالعمل‌های کیفی ساخت و ساز است.

حال سؤالی که در این جا به ذهن متبادر می‌گردد این است که چرا محله هرندی (دروازه غار) نیازمند بازآفرینی شهری است؟

در مباحث مربوط به جامعه‌شناسی شهری و ساخت فضاهای شهری به مسئله‌ای برخورد خواهیم کرد که اهمیت آن را می‌توان در بحث بازآفرینی شهری مشاهده کرد. در ذیل این عنوان است که می‌توان ارتباط تنگاتنگ و نزدیک میان جامعه‌شناسی شهری و جامعه‌شناسی انحرافات را به‌گونه‌ای ظریفی مورد مذاقه قرار داد. اندیشمندان این حوزه (جامعه‌شناسی) معتقدند همان‌گونه که انسان‌ها به‌عنوان کنشگران اجتماعی خود تعیین‌کننده ساخت سازه‌های شهری‌اند، این سازه‌ها نیز در فرآیند جریان اجتماعی بر کنش کنشگران اثر گذار می‌باشند. این سازه‌ها پس از ساخت، دیگر دست‌ساخت صرف انسان به‌حساب نخواهند آمد و خود دارای آثار متفاوت خواهند بود. به‌عنوان مثال، کوچه‌های تنگ و باریک، بیش از آن‌که احساس امنیت را برای عابران پیاده تأمین کنند، خود از عوامل ایجاد عدم امنیت اجتماعی قلمداد می‌شوند.

در محله هرندی (منطقه دروازه غار)، به‌طور کلی، مشخصه‌های کلی ساخت سازه‌های شهری بیش از پیش زمینه‌ساز انحرافات اجتماعی و اعمال بزه‌کارانه را فراهم کرده است. به محض ورود به محله، کوچه‌های بسیار باریکی که در بسیاری از موارد تردد ماشین یا موتور (حتی یک ماشین یا موتور) در آن امکان‌پذیر نیست، توجه فرد را به خود جلب می‌کند. چنین کوچه‌هایی خود از موارد آسیب‌زا و بسترساز کج‌رفتاری به‌حساب می‌آیند. در کوچه‌ها و خیابان‌های محله (اگر بتوان عنوان خیابان به آن‌ها اطلاق کرد) بخشی تحت‌عنوان محل عبور و مرور خاص برای عابر پیاده معنا ندارد. در این شرایط، بسیاری از دختران و زنان اصولاً با ترس در طول روز از دالان‌های خیابان نما (و کوچه نما) تردد می‌کنند. ویژگی دیگر این دالان‌های تنگ، نبود سیستم مناسب جدول‌کشی به شکل امروزی است. وجود جوی‌های آب در این دالان‌های پر پیچ و خم، علاوه بر آن‌که تردد را در آن‌ها سخت و دشوار می‌سازد، به‌علت هم‌سطحی نزدیک آن به کف خیابان یا کوچه موجب آلودگی زیست-محیطی گشته و زمینه‌ساز بسیاری از بیماری‌های محیطی گردیده است. از کارکردهای منفی این دالان‌های تنگ و باریک، عدم رعایت فواصل کافی و مناسب مابین مکان‌های تجمع زباله‌ها و عابران پیاده است. به‌همین دلیل، اکثر این کوچه‌ها و خیابان‌ها سرشار از بوی مشمئزکننده زباله‌های رها شده است، به‌گونه‌ای که عبور از آن‌ها برای فرد عابر بسیار سخت و دشوار می‌باشد. از دیگر ویژگی این دالان‌ها ارتباط چندگانه و پیچیده‌ای است که مابین‌شان برقرار است، به‌گونه‌ای که می‌توان آن‌ها را دالان‌هایی به‌مانند کندوی زنبور یا لانه مورچه در نظر گرفت. چنین کوچه‌هایی به‌علت ساخت کندو ماندشان از بسترهای جرم‌خیز به‌حساب می‌آیند، به‌نحوی که بسیاری از افراد معتاد و سایر بزه‌کاران، به‌راحتی در این دالان‌های ماریج‌گونه اقدام به اعمال خلاف هنجار اجتماعی کرده، بی‌آن‌که کسی معترض آن‌ها شود. ویژگی دیگر ساخت شهری این محله، پیوستگی خانه‌های آن است. به‌گونه‌ای که یک فرد به راحتی می‌تواند از پشت بام خانه خود تا چندین خیابان آن طرف‌تر را بدون آن‌که انقطاع مکانی به وجود آید را طی کرده و به خانه و مقصد مورد نظرش برسد. این دسترسی آسان نه‌تنها به خانه‌های مجاور بلکه خانه‌های چندین خیابان آن‌سوتر نیز زمینه‌ساز بسیاری از اعمال کج‌روانه مانند دزدی، تعرض و غیره گشته است. اصولاً چنین سازه‌هایی با مشخصه‌های بیان شده بستر مناسبی را برای گسترش بزهکاری در سطح محله فراهم کرده است. به‌عبارت دیگر این در هم تنیدگی مکان و فضا در محله هرندی (دروازه غار)، معضلی است که حل آن تنها با بازآفرینی شهری امکان‌پذیر خواهد بود.

ویژگی دیگر خاص ساخت سازه‌های شهری محله هرنندی (دروازه غار)، خانه‌های ناکارآمد آن است؛ خانه‌هایی که بیشتر به آلونک‌هایی غیراستاندارد شبیه بوده و مأمّن افراد متعددی است که در آن دچار روزمرگی شده‌اند. بسیاری از خانه‌های این منطقه از پایداری لازم برخوردار نیست و هر لحظه امکان ریزش دارد. از طرفی، سقف بسیاری از خانه‌ها از چوب ساخته شده‌اند و با کوچک‌ترین لرزشی مستعد تخریب می‌باشند. بسیاری از این مسکن به صورت یک خانه با اتاق‌های مجزایی است که در هر کدام از این اتاق‌ها یک خانواده زندگی می‌کند. گستردگی خانواده‌ها به‌طور کامل در این آلونک‌ها خود از معضلات بی‌شمار این محله محسوب می‌شود؛ سرپناهی با زندگی همزمان چندین خانواده. در چنین شرایطی وضعیت به‌گونه‌ای است که شاهد مکانی خواهیم بود که با هیچ کدام از استانداردهای زندگی مطلوب تطابق ندارد. یک حمام، یک آشپزخانه و یک دستشویی برای تعداد کثیری از خانواده‌هایی که بعضاً تعداد افراد هر کدام از این خانواده‌های ساکن در این آلونک‌ها به ۶ الی ۸ نفر می‌رسد. اصولاً افراد ساکن در این محله نه تنها در طول شبانه روز در مکان مناسبی زیست نمی‌کنند، بلکه به لحاظ برخورداری از محله‌ای مطلوب نیز محروم‌اند.

از این رو، پاسخ این سؤال را که چرا افراد محله هرنندی (منطقه دروازه غار) نیازمند بازآفرینی شهری‌اند را می‌توان به صورت ذیل دسته‌بندی کرد :

- درآمد سرانه ساکنان کمتر از میانگین شهر و نرخ بیکاری بالاتر از آن است.
- واحدهای مسکونی کم‌دوام و تراکم نفر در واحد مسکونی بالاتر از میانگین شهری است و دچار مشکلات زیست-محیطی بسیار می‌باشند.
- میزان برخورداری و دسترسی ساکنان به خدمات شهری و وضعیت زیرساخت‌های شهری به مانند خیابان‌ها، کوچه‌ها و ... نامناسب است.
- بالا بودن ناهنجاری‌های اجتماعی و زمینه بروز آن نسبت به میانگین شهری مشهود است.
- هویت تاریخی و فرهنگی مورد بی‌توجهی قرار گرفته، شأن و منزلت اجتماعی در این نواحی کاهش یافته و این مسئله منجر به جایگزینی سایر اقشار گردیده است.
- بنابراین، در طرح مسئله بازآفرینی شهری در محله دروازه‌غار بایستی نیروها و عوامل مختلفی که موجب انحطاط شهری می‌شوند را شناسایی کرده و پاسخ مثبت و پایدار فراهم آورد که به بهسازی دایمی کیفیت زندگی شهری بینجامد.

۲- پیشینه پژوهش

تحقیقات متعددی در داخل و خارج از کشور جهت تحلیل بافت‌های ناکارآمد شهری و تبیین رویکرد بازآفرینی شهری انجام شده است.

«چک من هو» در مقاله‌ای با عنوان بازبینی رویکرد بازآفرینی شهری در هنگ کنگ با بررسی پیشینه دانش بازآفرینی در آمریکا و انگلیس و تجارب خارجی کسب شده در ژاپن، کره جنوبی و سنگاپور، درصد تدوین رویکرد جامع برای بازآفرینی بافت‌های ناکارآمد هنگ کنگ برآمد. نتایج این پژوهش نشان داد که هنوز برنامه‌ریزی در هنگ کنگ برای این محدوده بافت-های ناکارآمد شهری از بالا به پایین بوده و ساختار برنامه‌ریزی برای نوسازی این محدوده‌ها بی پایه و نامتناسب بوده و میزان مشارکت عمومی نیز پایین است [۹].

«برتولینی» نیز در پژوهشی با عنوان شهرهای پایدار و نوسازی شهرها، با رویکرد نوسازی و بازآفرینی به این نتیجه رسید که شیوه مداخله در بافت‌های ناکارآمد؛ فن‌سالار، اقتداری و از بالا به پایین و با نگرش غیرمشارکتی برنامه‌ریزان به مداخله و جابه‌جایی همراه بوده است [۱۰].

ریچارد راجرز در سال ۱۹۹۸ میلادی با گروه کار خود، مأموریت یافت علل زوال شهری را در انگلستان بررسی کند و اصولی را برای ارتقاء کیفیت شهری در انگلستان ارائه دهد. حاصل کار گزارشی است تحت عنوان «به سوی نوزایی شهری»، که در آن

گزارش، طیف گسترده‌ای از پیشنهادات آینده نگرانه را ارائه کرد. گزارش حاوی بیش از ۱۰۰ راهکار در زمینه‌های طراحی شهری، مدیریت، ترابری، بازآفرینی مراکز تاریخی و قدیمی و غیره را شامل می‌شود [۱۱].

معین‌فر و همکاران، در پژوهش دیگری که در مورد محله «مهدی‌آباد» شهر شیراز انجام داده‌اند، بر این مسئله تأکید داشته‌اند که بازآفرینی بافت‌های فرسوده تنها با مشارکت مردمی تحقق پیدا خواهد کرد [۱۲].

پوراحمد و همکاران (۱۳۸۹) در مقاله‌ای تحت عنوان مفهوم‌شناسی بازآفرینی شهری به عنوان رویکردی نو در بافت فرسوده شهری، به این نتیجه رسیده‌اند که مرمت و بهسازی شهری به صورت فعالیتی یکپارچه و همه‌جانبه در آمده که باید جنبه‌های اجتماعی، اقتصادی، زیست‌محیطی و کالبدی و ایجاد شرایط مناسب جهت دستیابی به توسعه همراه با پایداری و توسعه پایدار در آن لحاظ گردد [۱۳].

ذکر چنین مواردی (که بیان بیشتر آن‌ها از حوصله این بحث خارج است) به طور کلی بیان‌گر این موضوع است که بحث بازآفرینی شهری نیز در محله هرنندی (منطقه دروازه غار) بدون مشارکت و همیاری تمامی کنشگران مؤثر در این زمینه غیرممکن خواهد بود. از این باب، طرح موجود، با هدف تبیین اهمیت رویکرد بازآفرینی شهری به عنوان تنها رویکرد متأخر برای مداخله مشارکتی در بافت ناکارآمد محله هرنندی (دروازه غار) نگارش شده است.

۳- روش تحقیق

در پژوهش کنونی، از روش کیفی با رویکرد توصیفی-تحلیلی استفاده شده است. در این راستا از تکنیک‌های چون مشاهده اکتشافی، مشاهده مستقیم و مصاحبه‌های کیفی برای گردآوری اطلاعات استفاده شده است. هم‌چنین، برای گردآوری اطلاعات از مطالعات اسنادی استفاده گردیده، و در پایان نیز، یک مدل مفهومی که منبعت از داده‌های گردآوری شده از میدان است، بر اساس رویکرد توصیفی-تحلیلی ارایه شده است.

موقعیت جغرافیایی منطقه مورد مطالعه: محله هرنندی واقع در ناحیه ۴ منطقه ۱۲ شهرداری تهران، در محدوده‌ای میان خیابان‌های مولوی و شوش به ترتیب از شمال و جنوب و خیابان‌های خیام و صاحب‌جمع، به ترتیب از غرب و شرق قرار گرفته است. نام قدیمی محله، دروازه غار (یکی از چند دروازه شهر تهران) بوده که بعد از انقلاب به نام شهید هرنندی تغییر یافته است. جمعیت محله حدود ۲۳ هزار نفر (در قالب ۷ هزار خانوار) گزارش شده است [۱۴]. وسعت محله ۱۷۴/۶ هکتار است. حدود ۵۳/۸ درصد از مساحت محله هرنندی و بالغ بر ۸۷ درصد پهنه مسکونی آن از بافت فرسوده تشکیل شده که هر سه شاخص فرسودگی یعنی ریزدانی، عرض کمتر از ۶ متر و مصالح ناپایدار را نیز داراست.

۴- یافته‌های تحقیق

معرفی فضای اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و کالبدی محله هرنندی: منطقه ۱۲ شهر تهران، یکی از مناطق قدیمی شهر تهران به حساب می‌آید که در مرکز شهر قرار گرفته است. به نحوی که بیش از سه چهارم تهران ناصری (دوران ناصرالدین-شاه قاجار) را در بر می‌گیرد. هر چند بسیاری از عناصر و فضاهای مشخص و با کیفیت بافت قدیمی واقع در منطقه در طول زمان از میان رفته است، اما اسکلت‌بندی موجود بافت، کمابیش با اسکلت‌بندی تاریخی بخش مرکزی شهر انطباق دارد. منطقه مذکور با مساحتی معادل ۱۶۰۰ هکتار (۲/۳ درصد محدوده تهران) دارای ۱۳ محله است [۱۵]، که از سمت شمال به خیابان انقلاب اسلامی، از سمت جنوب به خیابان شوش، از سمت شرق به خیابان ۱۷ شهریور و از سمت غرب به خیابان‌های حافظ و وحدت‌اسلامی محدود می‌گردد.

محله هرنندی کلان شهر تهران، یک منطقه حاشیه‌ای درون شهری است و ساکنان آن که طیف گسترده‌ای از مهاجران را شامل می‌شوند، هم‌زمان در تهران ادغام و طرد می‌شوند. این محله معمولاً مکان زندگی خانوارهای کم‌توان اقتصادی بوده است. ساکنان محله هرنندی، نمونه‌ای از طبقه فرودست شهری هستند که چه از نظر اقتصادی و چه از نظر اجتماعی حاشیه‌ای محسوب می‌شوند. به روایتی، ساکنان اولیه هرنندی، عرب‌ها و اصفهانی‌ها بودند که آجر پزی می‌کردند. به روایت دیگر، این

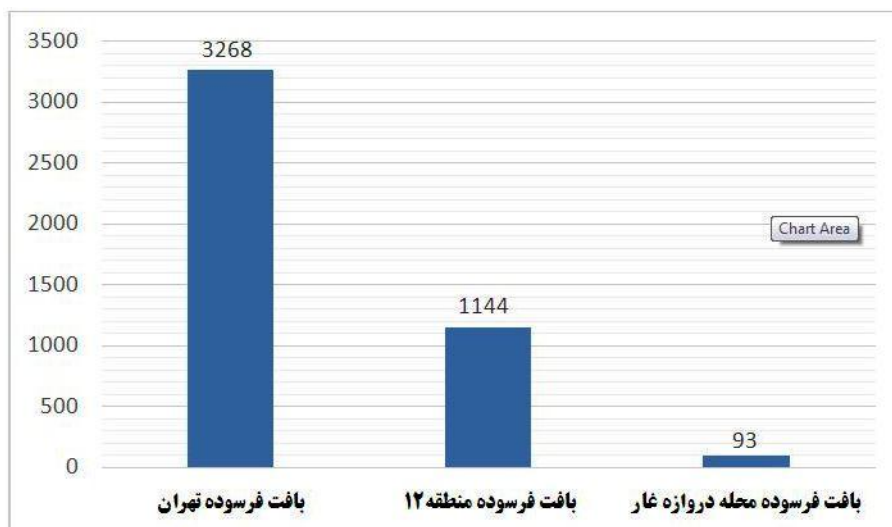
بارفروشان بودند که با فروش سبزی و میوه در این محل و سپس ساخت و ساز این محله را به وجود آوردند. سابقاً گویا محله در روز مکان فروش میوه و سبزیجات بود و شبها محل تجمع دزدها و مالخرها. در زمان کنونی، محله هرنندی، محل سکونت خانوارهایی از قومیت‌های گوناگون مانند فارس‌ها، لرها، ترک‌ها و غربت‌ها و همچنین مهاجران کشور افغانستان است. بافت اجتماعی هرنندی در قدیم هم ناهنجار بوده و فقر، بزه‌کاری و بدنامی در آن غلبه داشته است. این وضعیت با توجه به تداوم فقر و مهاجرت بی‌رویه به این محله و فرسودگی شدید بافت کالبدی و اجتماعی آن، تاکنون نیز ادامه داشته است [۱۶].

برخی از این مهاجران پیش از انقلاب به منطقه مهاجرت کرده و در حال حاضر، جزء جمعیت ثابت منطقه قلمداد می‌شوند. امروزه بخش عمده‌ای از خانوارهای قدیمی، محله را ترک کرده و در مناطق دیگر تهران ساکن شده‌اند. خانه‌های خالی از سکنه یا اجاره داده شده است یا تبدیل به انبار کالاهای مختلف بازار شده و یا اساساً درب منازل قفل و بلا استفاده باقی مانده است.

به طور کلی نام محله هرنندی، همواره با بروز انواعی از آسیب‌ها و مسایل اجتماعی عجین شده است. وجود بافت‌های فرسوده و مخروبه، فضاهای تخریب شده و رها گردیده، فضاهای بی‌دفاع شهری، خشونت‌های خیابانی، کودکان کار و خیابان، مصرف دسته‌جمعی مواد، خرید و فروش مواد، تن‌فروشی، قمارهای دسته‌جمعی و غیره نشان از وضعیت نابسامان و رها شده این محله شهری دارد. ساختار بی‌سازمان این محله، خود زمینه‌ساز بروز انواع آسیب‌های اجتماعی است. نابسامانی حاکم بر این محله موجبات حضور مردمان مهاجر و عموماً آسیب‌دیده با تنوع‌های قومی، زبانی، فرهنگی و ... از سراسر ایران را فراهم آورده است. هرکدام از این گروه‌ها به دلایلی چون ارزان بودن مسکن، نزدیکی به بازار و کارگاه‌های تولیدی، وجود خانه‌های مجردی و نظارت اجتماعی و انتظامی محدود در باب جرایم و نظایر آن در این محله ساکن شده‌اند. این محله به‌طور عمده دارای سه ویژگی است. الف- دارای جمعیت ناهمگون بوده، ب- از تحرک جمعین بالا برخوردار است و در نهایت ج- بیشتر ساکنان آن از پایگاه اقتصادی- اجتماعی پایین برخوردارند. این شرایط مانع شکل‌گیری هنجارهای تأثیرگذار بر افراد می‌شود که نتیجه آن شکستن هنجارها و قواعد اجتماعی و بروز انواع آسیب‌های اجتماعی در درون محله و حتی فراتر از آن است [۱۷].

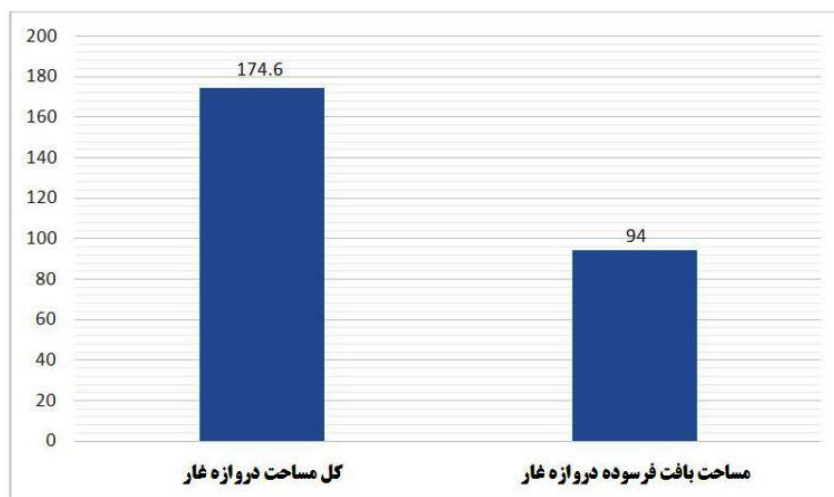
در شهر تهران، از ۶۲۱,۰۰۰ هکتار، حدود ۳,۶۲۸ هکتار بافت فرسوده وجود دارد که از این میان، منطقه ۱۲ با دارا بودن ۳۵ درصد از کل بافت‌های فرسوده، در جایگاه دوم در میان مناطق ۲۲ گانه شهر قرار دارد. شکل‌های (۱ و ۲) به‌صورتی واضح، وضعیت توزیع بافت فرسوده در تهران و به تبع آن منطقه ۱۲ و محله دروازه‌غار را به تصویر کشیده است. آنچه که در این نمودار مهم و اساسی است، آن است که از کل ۳,۶۲۸ هکتار بافت فرسوده‌ای که در تهران وجود دارد، ۱,۱۴۴ هکتار آن در منطقه ۱۲ شهر تهران قرار دارد که ۹۳ هکتار از کل بافت فرسوده منطقه ۱۲ به محله هرنندی (دروازه غار) تعلق دارد؛ که این رقم خود نشان از وخیم بودن وضعیت در محله مورد مطالعه است.

فرسودگی گسترده بافت مسکونی محله دروازه‌غار، نتیجه معضلات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی محله از یک‌سو و مشکلات زیرساختی، ترافیکی و کالبدی- فضایی، از سوی دیگر است. محله هرنندی (دروازه غار)، یکی از نابسامان‌ترین محله در مرکز تهران است. فرسودگی بافت و بناها، ضعف نفوذناپذیری سواره و پیاده، کمبود خدمات شهری و تأسیسات زیرساختی، بهداشت و کیفیت نازل محیطی، رکود ارزش املاک و انواع ناهنجاری‌های اجتماعی ناشی از گستردگی اعتیاد، شرایط بحرانی را در این محله موجب شده است.



شکل ۱، نمودار توزیع بافت فرسوده در تهران، به تفکیک منطقه ۱۲ و محله هرنندی (دروازه غار / به هکتار)

بنابراین، مسایل زیرساختی محله را می‌توان به صورت زیر برشمرد: فرسودگی و پوسیدگی، تراکم و پیچیدگی بافت که تعمیرات و نگهداری شبکه‌های تأسیساتی را دشوار می‌سازد، تنگی معابر که با نصب تیرهای چراغ برق در آن‌ها حرکت را دشوار می‌کند، توان اقتصادی کم خانوارها که استفاده از شبکه فاضلاب را به تأخیر می‌اندازد و هنوز فاضلاب سبک خانگی را در معبرهای عمومی روانه می‌کنند، نبود مکان مناسب برای تفریح، کمبود مراکز خدماتی و ...



شکل ۲، نمودار توزیع بافت فرسوده در محله دروازه غار (به هکتار)

اما آن‌چه که ضرورت بازآفرینی شهری در منطقه مورد مطالعه را ضروری‌تر می‌نماید، در آمارهای مربوط به تعداد بلوک‌های این منطقه خود را نشان می‌دهد. از کل بلوک‌های موجود در منطقه، بلوک‌های تفریحی، توریستی، فضای سبز، درمانی و خدمات عمومی به ترتیب ۶، ۱، ۳، ۲، و ۲ بلوک است. این در حالی است که بلوک‌های مسکونی موجود در منطقه ۵/۹۴۸ بلوک می‌باشد که تعداد ۳ بلوک فضای سبز در منطقه (در صورت مناسب بودن برای استفاده برای تمام سنین) نشان از کمبود چنین فضاهایی برای ساکنین محله است. جدول ۱، کل بلوک‌های محله دروازه غار را به همراه تفکیک بلوک‌های آن به نشان می‌دهد.

در همین راستا می توان به بحث آلودگی محیطی (و در تقابل آن آسایش محیطی) درباب ساکنین محله هرنندی (دروازه غار) پرداخت. به عبارت دیگر، از موارد منتج شده از بازآفرینی شهری، بحث آسایش محیطی است. وضعیت بهنجاری محیطی (در تقابل با آلودگی محیطی) را می توان از نتایج غایی این تجدید حیات شهری در نظر گرفت.

جدول ۱. تفکیک بلوک های محله دروازه غار (۱۳۹۸)

ردیف	نام بلوک	تعداد بلوک	ردیف	نام بلوک	تعداد بلوک
۱	اداری	۷	۱۱	خدمات عمومی	۲
۲	ارتشی	۲	۱۲	در حال ساخت	۱۰۹
۳	انبار	۱۱	۱۳	صنعت تولیدی	۱۰۸
۴	آموزشی	۳۳	۱۴	فضای سبز	۳
۵	بایر	۹۰	۱۵	درمانی	۲
۶	تأسیسات شهری	۴۱	۱۶	تجاری و مسکونی	۱۰۰۴
۷	تجاری	۵۸۳	۱۷	مخروبه	۵
۸	تفریحی	۶	۱۸	مذهبی	۴۵
۹	توریستی	۱	۱۹	مسکونی	۵۹۴۸
۱۰	حمل و نقل	۱۳	۲۰	زمین های محصور	۲۰
تعداد کل			۸۰۳۳		

آلودگی محیطی (ناهنجاری محیطی)

امروزه مدیران و برنامه ریزان در محیط های شهری با مسایل و آلودگی های محیطی و اجتماعی بسیاری رو به رو هستند. صاحب نظران در بررسی های مکانی انواع جرایم و رفتارهای ناهنجار شهری به تأثیر چند عامل کلیدی قانون، مجرم، قربانی، زمان و مکان جرم توجه می کنند و در میان این عوامل، نقش عوامل و شرایط مکانی در پیدایش ناهنجاری های رفتاری از حیث لزوم اتخاذ تمهیدات پیشگیری کننده در مدیریت و برنامه ریزی های محیطی حائز توجه ویژه است. از این رو، «آلودگی های محیطی» به عنوان یکی از مؤلفه های مؤثر در پیدایش رفتارهای آلوده و ناهنجار مورد توجه قرار گرفته است. در مقابل آلودگی محیطی، آسایش بصری و محیطی از مؤلفه های مهم و اساسی محیط های انسان ساخت امن محسوب می شود، چرا که برای سکونت و زندگی، شهر خانه ای است بزرگ، همان گونه که خانه بایستی از صفات و مزایایی برخوردار باشد تا سکونت و زندگی را مطلوب و آسایش بخش سازد، شهر نیز باید دارای کیفیات و ویژگی هایی برای تأمین آسایش، راحتی و امنیت باشد. هم چنین، شهر مانند خانه باید محیطی گرم و صمیمی و دلپذیر باشد تا امکان زندگی مطلوب را فراهم سازد [۱۸].

اگر عملکردهای ناهنجار را به نوعی «آلودگی رفتاری» و به عنوان متغیر وابسته و «آلودگی های محیطی» را به عنوان متغیر مستقل در نظر بگیریم، آلودگی های محیطی، شرایط مکانی را برای بروز آلودگی های رفتاری، مستعد می کنند. از این رو، آلودگی های رفتاری، گرایش به چسبندگی به مکان های آلوده دارند. به عبارت دیگر، انحرافات و ناهنجاری های اجتماعی و آلودگی های محیطی در مکان ها و فضاهای شهری گرایش به هم مکانی و هم زمانی دارند. در صورت ایجاد دسته ای از انواع آلودگی های محیطی، زمینه برای بروز آلودگی های رفتاری (متقابلاً به عکس) نیز فراهم می شود.

ابعاد مفهوم آلودگی های محیطی را می توان شامل موارد ذیل دانست:

الف- آلودگی فیزیکی؛ وجود مواد زائد جامد در محیط؛ ب- آلودگی دیداری؛ اغتشاش بصری؛ ج- آلودگی نمادی (اطلاعات محیطی) و خوانایی؛ د- آلودگی نور (تاریکی).

در ادامه محله هرنندی بر اساس هر کدام از این شاخص ها مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

الف- آلودگی فیزیکی (ناهنجاری فیزیکی)

بدون شک در اجتماعی که پاکیزگی محیط، هنجار به حساب می آید، عدم رعایت بهداشت و پاکیزگی در فضای شهری اولین نماد هنجارشکن محسوب می شود که شرایط را برای پیدایش سایر ناهنجاری ها تسهیل می کند. مطالعات به عمل آمده در برخی از مناطق دنیا مبین آن است که در ساختمان هایی که مجاور آن ها محل انباشت زباله باشد، شرایط جرم خیزی در آن ها به همان نسبت بیشتر است [۱۹]. رهاسازی و یا انباشت مواد زائد در محیط ها و فضاهای شهری، باعث کاهش کیفیت محیط می شود و ریختن زباله در فضاهای شهری از سوی افراد در هر جامعه ای خود نوعی رفتار ضداجتماعی و طبق مقررات اغلب جوامع پیشرفته جرم محسوب می شود. بنابراین، اگر فردی در محیط مجاور خود در معرض عوامل آلودگی قرار گیرد به تدریج شرایط ذهنی و عینی لازم برای وقوع ناهنجاری رفتاری او نیز افزایش می یابد. این موضوع به خوبی مورد توجه دانشمندان حوزه جرم شناسی و جامعه شناسی انحرافات قرار گرفته است. به عنوان نمونه در نظریه «پنجره های شکسته» که از سوی «ویلسون و کلینگ» مطرح شده است، ارتباط محیط های شهری آلوده، خشن و بهم ریخته با افزایش جرم تبیین می شود و به این مسئله تأکید شده است که مراقبت های محیطی به میزان زیادی باعث کاهش جرم می شود. از طرف دیگر، عدم نظارت و مراقبت های محیطی مانند انباشت آشغال ها در مکان هایی مانند خرابه ها و یا فضاهای شهری، انجام برخی رفتارهای ناهنجار و خشن، ولگردی و تکدی گری را در چنین مکان هایی همراه می سازد. طبق این دیدگاه، پنجره های شکسته یک ساختمان، نشانه نبود کنترل فردی و جمعی در آن جاست و نبود کنترل های اجتماعی به مثابه چراغ سبز برای مجرمانی است که منتظرند تا فرصت را غنیمت شمرده و در این مکان ها مرتکب جرم شوند. ساختمان های بدون سکنه، در و پنجره های شکسته، دیوارهای ترک دار و مخروبه، محوطه های عمومی کثیف و پر از آشغال در برخی از مناطق شهر، احتمال وقوع جرم را در این مکان ها افزایش می دهد و نشان دهنده آن است که برخی محیط های خاص، جذب کننده مجرمان بالقوه برای ارتکاب جرایم اند [۲۰]. به همین دلیل، محیط های شهری مکان هایی حساس و آسیب پذیرند و انواع زباله ها و آلودگی ها از عوامل برهم زننده توازن محیط زیستی و حتی اکولوژیکی آن ها محسوب می شوند. علاوه بر آن، موجب غیربهداشتی شدن محیط و کاهش کیفیت شرایط اجتماعی می شوند. در خصوص ارتباط شرایط اجتماعی ناهنجار، به نظر می رسد توزیع جغرافیایی جرایم در سطح شهرها با توزیع جغرافیایی مکان هایی که دارای آلودگی زیست محیطی اند، نوعی چسبندگی دارند؛ به نوعی که معمولاً مکان های تجمع معتادان و خلافکاران به دلیل پایین بودن شرایط نظارت های اجتماعی در مجاورت با مکان هایی با ویژگی های مذکور قرار می گیرند.

در این مقاله از میان شاخص های متعدد و متنوع آلودگی های محیطی، تعدادی که می تواند مؤید میزان توجه و نظارت جامعه بر محیط تلقی شوند، عبارتند از: وجود زباله های رها شده در فضا؛ کیفیت و کمیت سطل های زباله در معابر؛ وضعیت آلودگی مجاری فاضلاب از حیث آلودگی های فیزیکی مشهود، سرعت عمل خدمات شهری در جمع آوری و پاکسازی پسماندهای فیزیکی و نخاله های رها شده در طول روز و هفته؛ و ...



شکل ۴، نمونه بافت فضای جمع شدن معتادان محله هرنندی



شکل ۳، وضعیت یک خیابان محله هرنندی

جمع‌بندی مشاهده‌های میدانی و مصاحبه‌ها در محله هرندی (دروازه‌غار)، حاکی از آن است که عدم رعایت پاکیزگی و نظافت در فضای شهری محله، محسوس‌ترین نماد هنجارشکن و نشانه نبود کنترل و نظارت مؤثر در آن مکان‌ها محسوب می‌شود. به عبارت دیگر، جمع‌بندی داده‌های مشاهده مستقیم نشان‌دهنده آن است که تقریباً در اکثر نقاط محله (بیشتر در فضاهای جانبی) مواد زائد فیزیکی رها شده و یا حتی انباشت شده به شکل محسوسی قابل مشاهده بود. در محله هرندی (دروازه غار)، آن نقاطی از فضاها که از دید ساکنین محله مکان‌های ناامن معرفی شدند، نقاطی را شامل می‌شد که محل انباشت زباله‌ها و نخاله‌ها نیز محسوب شده (همرا با آن تجمع معتادین در آن مکان) و ظاهر غیربهداشتی مجاری فاضلاب در آن‌ها نیز چشم‌گیر می‌نمود. به عبارت دیگر، شهروندان ساکن در محله، احتمال وقوع بیشترین ناهنجاری‌های عملکردی (آلودگی‌های رفتاری) از جمله توزیع و مصرف مواد مخدر را در آن نقاطی از محله بیشتر می‌دادند که نسبت به سایر نقاط و انباشت زباله و مواید زائد در آن‌ها قابل مشاهده‌تر بود (شکل‌های ۳ و ۴).

ب- آلودگی دیداری (اغتشاش بصری نمادها، حجم‌ها و عناصر)

سیما و شکل شهرها در معرض دید مستمر میلیون‌ها نفر از مردم قرار دارند و بیش از هر چیز دیگر از طریق مشاهده (دید) بر روی روحیه مردم تأثیر می‌گذارد. این شکل می‌تواند همانند هنر موسیقی، ادبیات، نقاشی کاملاً موزون و یا اغتشاش-گونه و ... بر رفتارها، فعالیت‌ها و ارتباطات شهری تأثیری نامطلوب برجای گذارد. از نظر برخی از جامعه‌شناسان شهری، شکل شهر، مورفولوژی شهر است؛ به این معنی که شکل در برگرفته بافت فیزیکی، عملکردهای اداری و صنعتی و مجموع ساختمان‌هایی است که معرف فضایی پدیده‌های شهری هستند. از این‌رو، مفهوم آلودگی دیداری، اشاره به وجود هر نوع اغتشاش و کیفیت بصری نامطلوب در شکل شهر (اعم از نماها، فرم‌ها، حجم‌های کالبدی ساختمان‌ها، تابلوها، پنجره‌ها و ...) دارد. در این میان، طراحی، مهارتی بنیادی برای ساماندهی مجدد فضاهای شهری است. مهارتی که آن را از فعالیت‌های دیگر در زمینه برنامه‌ریزی و مهندسی محیط ساخته شده، باز می‌شناساند. طراحی باعث ایجاد نظم، زیبایی و مقیاس مبتنی بر آرایش منطقی و قابل فهم عناصر مستقل می‌شود و ترتیب و رابطه عنصری با عنصر دیگر را در بر می‌گیرد. زیبایی در واقع همان کیفیت تعالی احساسات و درخشش ذهن است که حس زیبایی‌شناختی و تأثیر بصری خارجی را به همراه دارد و مقیاس به منظور متناسب کردن عناصر در ابعاد انسانی حرکت می‌کند و سبب به وجود آمدن رفاه و آسایش در روابط فضایی با محیط می‌شود. بنابراین، آن بخش از فضاهای شهری که واجد تناسب بصری مطلوبی‌اند و در آن اغتشاش بصری کمتری وجود دارد نسبت به سایر فضاها احتمالاً کمتر با اغتشاش‌های رفتاری (عملکردهای ناپهنجار و آنومیک) عجين می‌شوند.

از جمله شاخص‌های آلودگی دیداری می‌توان به:

- وجود ساختمان‌هایی با پنجره شکسته؛
- وجود ساختمان‌هایی با ظاهر و نمایی کثیف و مخدوش؛
- وجود تابلوهای کثیف و شکسته؛



شکل ۶، نمونه فضایی در محله هرندی



شکل ۵، گذرگاهی در محله هرندی

- میزان هماهنگی و ریتم نماها و عناصر فیزیکی؛
- میزان هماهنگی و یکپارچگی حجم‌های ساختمانی؛
- میزان هماهنگی و نظم ترافیک و عبور عابرین پیاده؛
- مشهود بودن دیوارنویسی‌های ناهنجار؛
- میزان اغتشاش در سطح افقی فضا ؛
- کیفیت رنگ‌های به کار برده شده در فضا؛
- وضعیت ظاهری مبلمان شهری و پوشش گیاهی و ... اشاره کرد.

یافته‌های حاصل از مشاهدات میدانی در محله هرنندی (دروازه غار)، نشان‌دهنده آن است که به‌طور کلی رابطه معنی‌داری میان میزان اغتشاش شکل فضا و ناهنجاری عملکردی (اغتشاش رفتاری) وجود دارد. نتایج حاکی از آن است که وجود مناظری چون ساختمان‌های مخروطی و با پنجره‌هایی شکسته، نماهای کثیف و مخدوش، تابلوهای شکسته، عدم هماهنگی و نبود وضعیت مناسب برای عبور عابرین پیاده، وجود دیوارنویسی‌های ناهنجار و آثار وندالیسم در مبلمان شهری و ... برای شهروندان عادی، ناخشنود کننده و برای بزه‌کاران، مکانی مناسب برای آلودگی رفتاری‌شان در آن نقاط است (شکل‌های ۵ و ۶).

ج- آلودگی نمادی (اطلاعات و علایم محیطی)

به‌طور کلی، کیفیت زندگی انسان به انواع پیام‌هایی که از محیط اطراف خود دریافت می‌کند، بستگی دارد؛ زیرا این طبیعت محیط است که طبیعت زیستی و ذهنی انسان را پی ریزی می‌کند. بنابراین، سؤالی که در این جا مطرح می‌شود این است که چه چیزهایی ما را وا می‌دارد که از فضای شهری استفاده یا از آن اجتناب کنیم؟ در پاسخ می‌توان به زمینه‌های اطلاعاتی و نمادی اشاره کرد که باعث افزایش یا کاهش کیفیت فضاهای شهری گردیده است.

به‌عنوان نمونه، نمادها، علایم و یا به‌عبارت دیگر، نشانه‌ها از دید صاحب‌نظران سیمای شهری از عوامل مهم تشخیص قسمت‌های مختلف شهر هستند و بدین ترتیب افراد، به‌خصوص افراد غریبه به محیط و تازه واردین، از طریق برقراری ارتباط با آن‌ها احساس امنیت کرده و می‌توانند مسیر خود را بیابند. علایم (نمادها) در محیط انسان‌ساخت شهری ممکن است نقش اجتماعی غیرمستقیم، یا نمادین داشته باشند و فرد را در تاریخ و شهرش جاودان سازند. از این‌رو، استفاده از فضای شهری به زمینه اطلاعاتی و داده‌هایی مرتبط است که توسط نمادها و علایم در فضاها ارایه می‌شوند و این‌که به چه میزان اطلاعات می‌تواند توسط شهروندان دریافت شود. فضاهای شهری موفق هم‌چنین، اطلاعات ملموسی از شرایط مکانی و محلی را که به‌طور معمول برای نشستن، ایستادن و ... پیش‌بینی شده است را نیز ارایه می‌دهند؛ از جمله : مجموعه اطلاعات و داده‌هایی که به‌طور کلی مکان‌یابی و مسیریابی افراد و گروه‌ها را تعیین می‌کنند.



شکل ۸، نمای خانه‌ای در محله هرنندی



شکل ۷، خیابانی بدون علایم در محله هرنندی

شاخص‌های نشان‌دهنده کیفیت اطلاعات محیطی را می‌توان در قالب ذیل ارایه داد:

- وجود نقشه صحیح موقعیت مکان؛
 - وجود مراکز اطلاعات؛
 - تابلوهای راهنما و مسیریابی؛
 - آشکار بودن علائم و استفاده از کلمات، نمادهای بین‌المللی و نقشه‌ها، وضعیت و موقعیت دستشویی‌های عمومی، مسیره‌های اصلی و فرعی، محل فعالیت‌های اجتماعی و مکان‌ها؛
 - مناسب بودن نصب علائم در نقاط تصمیم‌گیری همچون تقاطع‌ها و مسیره‌های اصلی؛
 - وجود آثاری از تخریب اموال عمومی (وندالیسم)؛
 - قابل مشاهده بودن آثار وندالیسمی کهنه (که حاکی از عدم توجه نظارت و بازسازی توسط مسئولان می‌باشد).
- در مشاهده مستقیم فضای شهری منطقه دروازه غار، کمیت و کیفیت همه شاخص‌های این محور از مطالعه در وضعیت مناسب و مطلوب ارزیابی نشد. به‌عنوان نمونه، در اغلب ورودی پارک‌ها و خیابان‌ها، نقشه‌های قابل رؤیتی از موقعیت‌ها و مسیره‌های معابر اصلی و فرعی وجود نداشت. بسیاری از علائم موجود، مخدوش و آثار وندالیسمی در سطح آن‌ها به‌نحو آشکار و فراوان قابل مشاهده بودند. هم‌چنین، از علائم و نمادهایی که مؤید وجود نوعی نظارت بر فضا را برای شهروندان محله القاء نماید، آثار قابل توجهی احساس و ادراک نشد. از این‌رو، یافته‌های مشاهده میدانی و مصاحبه‌ها حاکی از آن است که اساساً تصویری صحیح و هنجارمند از محیط به شهروندان نوعی احساس امنیت می‌دهد و غالباً افرادی که به‌دلایل مختلف در محله احساس گمگشتگی می‌کنند و در تشخیص موقعیت و مسیر خود با مشکل مواجه می‌شوند (از جمله به‌دلیل وجود دالان (کوچه)‌های در هم تنیده و مارپیچ و ...) فکر می‌کنند از نظر بزه‌کاران به‌عنوان طعمه‌های مناسبی در نظر گرفته می‌شوند. شکل‌های ۷ و ۸ نمونه‌هایی از این بافت شهری است.

د- آلودگی نور (تاریکی)

فراوانی وقوع جرم در روز و شب، تفاوت معناداری دارد و اینجاست که عامل زمان، شرایط جرم‌خیزی مکان را تشدید می‌کند. با افزایش پیچیدگی‌های حیات اجتماعی، احتمالاً فراوانی وقوع جرم شبانه نیز افزایش می‌یابد. از جهت دیگر، توسعه سیستم روشنایی، ترس از جرایم را کاهش می‌دهد. نتایج بسیاری از مطالعات حاکی از آن است که با تقویت سیستم روشنایی در منطقه‌های جرم‌خیز، به‌طور متوسط ۶۲ درصد از ساکنان احساس ایمنی بیشتر کرده و تعداد وقایع و فجایع به طرز بی-سابقه‌ای کاهش یافته است [۲۱].

مهم‌ترین ویژگی شرایط آلودگی رفتاری و جرم‌خیزی در زمان شب؛ تاریکی، کم‌نوری و توزیع نامناسب سیستم روشنایی (آلودگی نوری) است که بر محیط حاکم می‌شود و فرصت مناسبی را برای افراد بزه‌کار فراهم می‌سازد تا در پوشش تاریکی با اطمینان از پایین بودن امکان دیده شدن، نسبت به اعمال بزه‌کارانه و رفتارهای آنومیک خود اقدام کنند.



شکل ۱۰، بن بست تنگ و تاریک محله هرنندی



شکل ۹، یک خیابان محله هرنندی

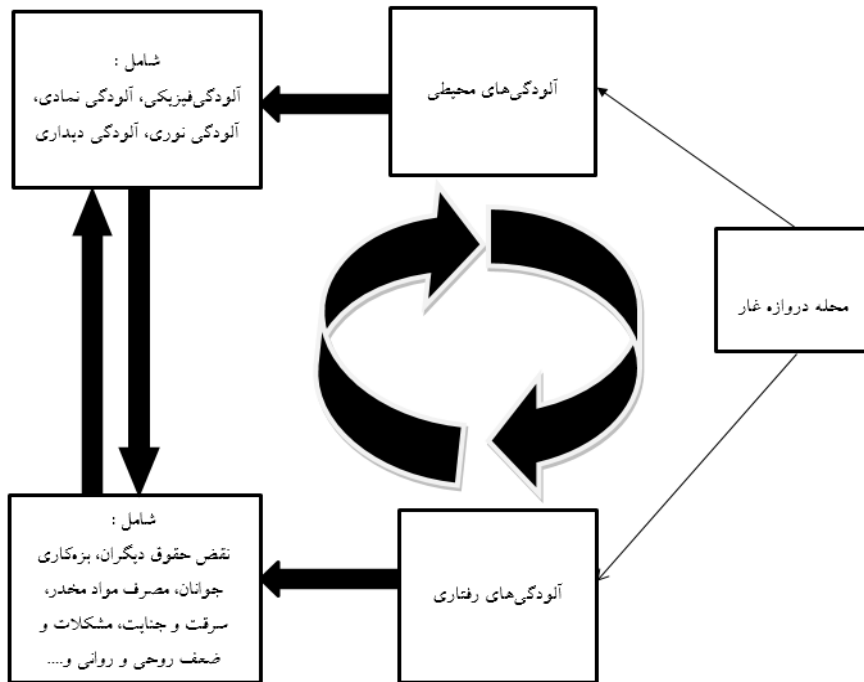
شاخص‌های آلودگی نور را می‌توان شامل موارد ذیل دانست:

- وضعیت کلی نور فضای اصلی در شب؛
- میزان نور در فضای اصلی در مقایسه با فضاهای جانبی؛
- قابلیت تشخیص چهره یک فرد از فاصله ۲۵ متری در محدوده فضاهای اصلی و ۱۵ متری در فضاهای جانبی؛
- کیفیت نور در محوطه درختان و بوته‌ها؛
- میزان تاریکی ناشی از وجود لامپ‌های سوخته و شکسته در فضا؛
- کیفیت روشنایی ورودی کوچه‌ها و سطح معابر فرعی؛
- مقایسه میزان نور پیاده‌روها در امتداد خیابان‌ها و ورودی ساختمان‌ها با نور خیابان‌های اصلی و پر رفت و آمد؛
- کیفیت روشنایی پارک‌ها؛
- وجود گوشه‌های تاریک در مسیر عابران پیاده.

نتایج حاصل از مشاهدات مبتنی است بر اثر قاطع‌تر کیفیت روشنایی فضاهای اصلی و جانبی در احساس امنیت ساکنین محله و کاهش فرصت جرم‌خیزی در فضاها. در این میان داده‌های به‌دست آمده از میدان نشان داد که کیفیت و میزان روشنایی موجود در فضاهای محله، نقش تعیین‌کننده‌ای در شرایط جرم‌خیزی آن فضاها داشته است. در زمان مشاهده مستقیم در ساعات شبانه‌روز، مشاهده‌کنندگان در اکثر نقاط فضاهای جرم‌خیز محله قادر به تشخیص درست چهره افراد، تابلوها و محوطه‌های فرعی از فواصل معین نشدند. همچنین، نتایج به دست آمده نیز مؤید اهمیت تنظیم نور در محوطه‌های درختان و جلوگیری از سایه‌اندازی آن‌ها و نیز بر لزوم پشتیبانی مستمر تجهیزات (به‌نحوه‌ای که هرگونه نقص در سیستم روشنایی از قبیل لامپ‌های سوخته و شکسته و ... به‌سرعت برطرف شود) به‌منظور جلوگیری از شرایطی که احساس عدم امنیت را تشدید می‌کند از سوی افراد محله مورد تأکید قرار گرفت. شکل‌های ۹ و ۱۰، آلودگی نوری را نشان می‌دهند.

۵- نتیجه‌گیری

یافته‌های حاصله از طریق تکنیک‌های مشاهده مستقیم، مشارکتی، مصاحبه‌های ساخت‌نیافته و ... حاکی از آن است که تقریباً در همه فضاهای جرم‌خیز محله هرندی (دروازه غار)، وضعیت شاخص‌های محیطی به‌گونه‌ای بارزی از سوی ساکنین نامطلوب ارزیابی شده است. به‌نحوه‌ای که در زمان بررسی محله، آلودگی فیزیکی یا همان وجود مواد زائد به‌صورت گسترده در فضاهای جرم‌خیز منطقه مشهود بوده و مورد اشاره قرار گرفته است. آلودگی دیداری در اشکال کالبدی و نماهای شهری در اغلب نقاط قابل ادراک است. از نظر ساکنین، امکان این‌که ناظر، اطلاعات کاملی از محیط برداشت کند به‌نحوه مطلوب وجود ندارد و این‌که کاربرد نور در فضاها و مسیرهای منتهی کوچه‌ها و خیابان‌ها در وضعیت مطلوبی قرار ندارند. بنابراین، با توجه به این‌که منطقه مورد بررسی، براساس داده‌های غیررسمی (مشاهدات میدانی و ...) و رسمی (مانند نیروی انتظامی) از نظر میزان جرم‌خیزی به‌عنوان یکی از مناطق آلوده فضاهای شهری معرفی شده است، هم‌زمانی و هم‌مکانی این نوع از آلودگی با آلودگی‌های محیطی حاکی از وجود رابطه احتمالی درباب اثر شاخص‌های محیطی (به‌عنوان متغیر تأثیرگذار) بر آلودگی رفتاری (به‌عنوان متغیر وابسته) فضای مورد مطالعه دارد. بنابراین، بررسی‌های دقیق‌تر حاکی از آن است که چسبندگی آلودگی‌های رفتاری با برخی از انواع آلودگی‌های محیطی چون آلودگی فیزیکی نسبت به سایر انواع آلودگی بیشتر است. به‌عبارت دیگر، هرچه آلودگی‌های محیطی از حیث وجود زباله و تلبار شدن طولانی آن مواد در محیط وجود داشته باشد و از نظر وجود فاضلاب در جوی‌های غیربهداشتی روباز وسط کوچه و خیابان، شرایط نامطلوب‌تری بر فضای شهری منطقه اعمال نماید، نمادهای آلودگی دیداری که حاکی از عدم نظارت بر مکان است (از قبیل وجود ساختمان‌هایی متروکه با پنجره‌ها و تابوهای شکسته و ظاهری متروک، کثیف و مخدوش، دیوارنویسی‌های ناهنجار و ...) بیشتر وجود داشته باشد و به چشم آید و ...، احتمال و امکان چسبندگی مکانی و زمانی آلودگی‌های رفتاری در آن مکان‌ها در مقایسه با سایر نقاط بیشتر خواهد بود. مدل مفهومی ارائه شده، این چسبندگی را به خوبی به نمایش گذاشته شده است.



شکل ۱۱، مدل مفهومی ارتباط آلودگی های محیطی و ناهنجاری های عملکردی (آلودگی رفتاری) در محله هرندي

از این رو، می توان انتظار داشت از طریق مدیریت و برنامه ریزی محیطی از جمله بازآفرینی شهری در منطقه مورد مطالعه، از احتمال انجام عملکردهای ناهنجار اجتماعی کاست و حتی از وقوع جرایم در آن مکانها پیشگیری کرد. راهکارهای پیشنهادی: با عنایت به موارد ذکر شده راه کارهایی در زیر به صورت خلاصه ارایه می گردد:

الف- اثرات زیست محیطی

۱- کم کردن اثرات هم زمان گازهای گلخانه ای و سایر گازها

۲- تجدید نظر در مورد زباله ها (به کارگیری راه های استفاده صحیح از پسماندهای شهری...).

ب- تأمین نیازهای انسانی

۱- استفاده از هوای سالم: افزایش پوشش درخت و طراحی حساس و استراتژیک شهری متصل شده به فضای سبز می تواند راهروهای خنک کننده و هوای پاک کننده در سراسر شهر ایجاد کند....

۲- استفاده از آب سالم: شهرها به یک دیدگاه و رویکرد استراتژیک برای جلوگیری از هدر رفت آب های طوفانها احتیاج دارند، کنترل مصرف آب و... .

پ- خیابان های مناسب: خیابان های طوری طراحی شوند که موجب آلودگی توسط وسایل حمل و نقل عمومی، شلوغی مردم، ترافیک و... نشوند... .

ساختمان های مناسب: برای کاهش انرژی مورد نیاز جهت گرما و برق ساختمانها، اقداماتی باید برای کاهش تقاضا از طریق تغییر رفتار انجام شود....

ت- نحوه حکمرانی

۱- میل و رغبت برای تغییر: به طور کامل درک مسایل و پس از آن ایجاد یک دستور عمومی کلید برای مدیران مدنی برای عمل است. نگرانی های زیست محیطی به تنهایی، به ندرت موفق به کسب نظر مردم شده اند. بنابراین، مردم باید ببینند که چگونه تصمیم گیری به طور مستقیم زندگی آنها را بهبود می بخشد....

- ۲- وجود مدیران دور اندیش: تغییرات آب و هوایی به مدیرانی در بخش عمومی نیاز دارد که به عنوان متولی منابع محیطی شهر عمل کرده و از کیفیت طراحی و کیفیت مکان حمایت کنند.
- ۳- کار در سراسر حوزه‌های اداری: شهرها نیاز به پاسخی با پیشنهادات جسورانه دارند تا از آن طریق نا کارآمدی بروکراتیک را کاهش یا از بین ببرند....
- ۴- آزادی برای کنترل زمین و دارایی: دولت‌های مرکزی و محلی باید نسبت به برنامه‌ریزی استفاده از زمین‌های اطراف شهر و... اقدام لازم را با مشارکت و سرمایه‌گذاری مردمی و سازمان‌های نیمه خصوصی، به عمل آورند.
- ۵- تمرکز کامل بر ارزش‌های زندگی سالم: تحریک اقدامات لازم برای تشویق بهره‌وری بیشتر، کاهش ضایعات و استفاده از منابع متنوع و تجدید پذیر می‌تواند منجر به صرفه جویی قابل توجهی گردد و...).
- ث- مسئولیت‌های مردمی: مشارکت دادن مردم در همه امور مربوطه در امر بازآفرینی شهری منطقه خود... .

۶- قدردانی

پژوهش حاضر با حمایت مادی و معنوی مؤسسه آموزشی کودکان کار صبح رویش تهران انجام گرفته است. نتایج ارائه شده در این طرح صرفاً متعلق به نویسندگان است و بیان‌کننده رویکردها و سیاست‌های این مؤسسه نیست.

۷- مراجع

- [1] Adams, D., & Hastings, E. M. "Urban renewal in Hong Kong: transition from Development Corporation to renewal authority", Land Use Policy, 18(3), 245-258. 2001.
- [2] Chan, E. H. W., & Yung, E. H. K. "Is the development control legal framework conducive to a sustainable dense urban development in Hong Kong?" Habitat International, 28(3), 409-426, 2004.
- [3] Zheng, H. W., Shen, G., Q. & Wang, H. "A review of recent studies on sustainable urban renewal", Hong Kong, Habitat International, 41, 272-279, 2014.
- [4] Ristea, A., Ioan-Franc, V., Stegaroiu, I., & Croitoru, G. "Commercial facilities and urban regeneration". Amfiteatru Economic, 12(27), 99-114, 2010.
- [۵] هادی، ف. پوراحمد، ا.، کشاورز، م.، علی اکبری، ا. بازآفرینی پایدار بافت‌های ناکارآمد شهری، فصلنامه آمایش محیط، شماره ۳۷، ۱۳۹۶.
- [6] Armanshahr, Consulting Engineers. The Strategic Plan of Obsolescence texture of Yazd. Volume I, II and IV, theoretical, social and economic. 2007.
- [7] Roberts, P. & Sykes, H. Urban Regeneration (A hand book), SAGE Publications, New Delhi, 2002.
- [۸] حبیبی، م. و مقصودی، م.، مرمت شهر، چاپ ششم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۶.
- [9] Cheuk Man HO, E. Renewing the urban regeneration approach in Hong Kong, Discovery-ss student E-journal, College of Liberal Arts and Social Sciences, Hong Kong, 2012.
- [۱۰] مختاری‌ملک‌آبادی، ر.، ابراهیمی، م.، کریمی، آ. تدوین استراتژی‌های راهبردی بهسازی و نوسازی بافت فرسوده شهر جهرم با استفاده از مدل swot، فصلنامه آمایش محیط، تابستان، شماره ۲۹، ۱۳۹۴.
- [۱۱] فرخ زنوزی، ع. ضرورت نوزایی شهری، فصلنامه هفت شهر، سال دوم، شماره چهارم، ۱۳۸۰.
- [۱۲] معین‌فر، ف.، پاکشیر، ع.، شعله، م. بازآفرینی بافت‌های فرسوده با رویکرد مشارکت‌جویانه در جهت نیل به اهداف توسعه پایدار، اولین کنفرانس ملی معماری و فضای شهری، ۱۳۹۲.
- [۱۳] پوراحمد، ا.، حبیبی، ک.، کشاورز، م. مفهوم‌شناسی بازآفرینی شهری به عنوان رویکردی نو در بافت فرسوده شهری، نشریه مطالعات شهرهای ایرانی اسلامی، دوره ۱، شماره ۱، پاییز ۱۳۸۹.

[۱۴] یوسفی، م. م. و داودی شمس، م. ح. تحلیل جامعه شناختی طرد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن، مورد مطالعه؛ کودکان در معرض آسیب‌های اجتماعی و کار محله هرنندی (دروازه غار) کلان شهر تهران. فصلنامه علمی پژوهش در مدیریت و علوم انسانی. شماره ۱۶. بهار، ۱۴۰۰.

[۱۵] مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن، مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰.

[۱۶] ثقیفیان، سپیده، در تقاطع سنت، فقر و جنسیت: یک مردم‌نگاری چند میدانه در جنوب شهر تهران، تهران، خردسرخ، ۱۳۹۸

[۱۷] ارشد، لیلی و درویشی فرد، علی اصغر، بی‌سازمانی اجتماعی و شکل‌گیری آسیب‌های اجتماعی (مطالعه موردی: محله هرنندی)، فصلنامه پژوهشنامه مددکاری اجتماعی، شماره ۱، ۱۳۹۳.

[۱۶] لینچ، ک. سیمای شهر، ترجمه منوچهر مزینی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۲.

[19] Ogawa, A, Shibasaki, R. Analysis of the relations between the occurrence of crime and its spatial tendency in shibuya area, Tokyo, Tokyo university, 2002.

[20] کلانتری، م. بررسی جغرافیایی جرم و جنایت در مناطق شهر تهران، رساله دکتری، دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، ۱۳۸۰.

[20] Weaker, J., Weitzman, C. Safe cities (guidelines for planning, design and management), Van Mustard Reinhold, 1995.

Urban Redevelopment, a case study: Harandi neighborhood (Darvazeh Ghar) of Tehran city

Mohammad mahdi Yousefi*¹

Seyed Mohammad Hasan Davoudi Shamsi²

Jalal Yousefi³

¹ Research and Strategic Development Deputy of Nasim-e Sobhe Rouyesh Institute, and Researcher of Social Issues. Tehran. Iran. E: Mohammadyousefi266@Gmail.com

² Manager of Sobhe Rouyesh Working Children School (Nasim Sobhe Rouyesh Institute), Tehran-Iran. E: davoodibox@gmail.com

³ University lecturer and researcher in Rural Development Studies, Tehran-Iran. E: Yousefi1442@Gmail.com

Abstract

The dilapidated urban fabric of Harandi neighborhood (*Darvazeh Ghar*) of Tehran is one of the areas of this city that is further back other areas of the city in terms of development and this has made it the center of social issues. There is a large population of people living in this neighborhood that can be used as a potential for urban development, but due to the current situation of the urban fabric of this neighborhood, this part of the population has been excluded from development. In order to plan this context, to recognize the problems of these areas and to plan for it, it must be taken into account that the economic, cultural, social, economic, physical, environmental and other realities are intertwined. The present article examines the urban Redevelopment of this neighborhood (*Harandi* of Tehran). In this study of qualitative method and techniques of field observation, interview, walking in the field, group discussion, etc. have been used. The results of this study show that various indicators of environmental pollution include; Physical pollution (physical anomaly), visual pollution (visual disturbance of symbols, volumes and elements), symbolic pollution (information and environmental signs), and light pollution are all present in the study area.

Keywords: Urban redevelopment, Environmental pollution, Visual pollution, Symbolic pollution, Light pollution.